

«الصَّبْرُ صَبْرَانِ: صَبْرٌ عَلَى مَا تَكْرَهُ وَصَبْرٌ عَمَّا تُحِبُّ»

(نهج البلاغه فیض - خطبه ۵۵)

صبر بر دو گونه است: صبر بر آنچه که دوست نداری و صبر از آنچه که دوست داری.

و در حکمت ۳۱ نهج البلاغه چنین فرموده:

«الْإِيمَانُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ: عَلَى الصَّبْرِ وَالْيَقِينِ وَالْعَدْلِ وَالْجِهَادِ وَالصَّبْرُ مِنْهَا عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ: عَلَى الشُّوقِ وَالشَّفَقِ وَالرُّهْدِ وَالْتَرَقُّبِ فَمَنْ اشْتَأَقَ إِلَى الْجَنَّةِ سَلَ عَنْ الشَّهَوَاتِ وَمَنْ اشْفَقَ مِنَ النَّارِ اجْتَنَبَ الْمُحَرَّمَاتِ وَمَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا اشْتَهَانَ بِالْمُصِيبَاتِ وَمَنْ ارْتَقَبَ الْمَوْتَ سَارَعَ إِلَى الْخَيْرَاتِ»

وقتی که راجع به ایمان از آنحضرت سؤال شد در جواب فرمود:

ایمان بر چهار پایه استوار است: صبر، یقین، عدل و جهاد. و اما صبر دارای چهار شاخه است: شوق (علاقه مندی) ترس، پارسائی و انتظار پس آنکس که مشتاق بهشت است خود را از شهوات و خواهشهای نفس پاک کرده و از آنها چشم می پوشد و هر که از آتش ترسید از آنچه حرام است دوری می گزیند و هر کس از دنیا دل برکند مصیبت ها و گرفتاریها را سبک می شمارد و هر که در انتظار مرگ بود بسوی خوبیها شتاب می کند.

در مجموع امور مربوط به انسان را می توان به دو بخش کلی تقسیم کرد: یکی - اموری که موافق طبع و میل انسان است و دیگری - اموری که موافق میل او نیست.

### صبر بر سراء (الصبر على السراء)

اموری که موافق طبع و میل است، صبر آنها را «صبر بر سراء» می نامند. این امور مانند سلامت و آسایش جسم، رفاهیات زندگی، مال، جاه، مقام، زن و فرزند هستند که اگر انسان خود را بوسیله صبر در برابر آنها کنترل نکند، با دل بستگی و دلخوشی مفرط به آنها خود را می بازد و دچار غفلت و بازی خوردن او شده و به سرکشی و طغیانگری می انجامد.

«كَلِمَاتُ الْإِنْسَانِ لَيُظْفَعُنَّ أَنْ رَأَاهُ اسْتَعْنَى» (علقن - ۷ و ۶)

به حقیقت همانا انسان آنگاه که خود را بی نیاز دید سرکش می شود.

در حالی که انسان باید همواره در پرتویاد خدا متوجه به فقر و نیاز خویش به خدائی که همه چیز از اوست داشته باشد.

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»

(فاطر - ۱۵)

ای مردم! شما همگی - در همه چیز - محتاج و نیازمند به خدا هستید و آنکه از هر کس و هر چیزی - بی نیاز و غنی بالذات و ستوده است فقط خدا است.

قرآن برای پیشگیری از حالت خطرناک سرکشی و طغیان، در آیات متعددی عوامل مهم بروز آن را متذکر شده و بر ضرورت شکیبائی و خوشتن داری در برابر آن تأکید فرموده است:

قسمت نهم

## اخلاق و تربیت اسلامی

حجة الاسلام محمد حسن رحیمیان

# صبر

### موارد و اقسام صبر

صبر بر حسب موارد دارای اقسامی است که در روایات به تعبیر گوناگون به آنها اشاره شده است.

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) از یغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل کرده که فرمود:

«الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ: صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَصَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَصَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ...»

(اصول کافی - حدیث ۱۵ - باب الصبر)

صبر بر سه قسم است: صبر بر مصیبت، صبر بر طاعت و صبر از معصیت...

و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است:

«بِأَيْهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (مناقرت، ۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید مبادا اموال و فرزندانتان شما را از یاد خدا باز دارد و کسی که چنین کند ایشان خود زیانکاران هستند.

«بِأَيْهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ مِنْ أَرْوَاحِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عُذْوًا لَكُمْ فَأَخَذُوا وَهُمْ» (تغابن، ۱۱)

ای مؤمنان، برخی از همسران و فرزندانتان دشمن شما هستند. چرا که انسان را با استفاده از دلبستگی به آنها به معصیت خدا می‌کشانند. پس از آنها برحذر باشید.

«إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (تغابن، ۱۵)

جز این نیست که اموال و اولاد شما وسیله آزمایش هستند و نزد خدا است پاداش بزرگ.

در این امتحان و آزمون الهی انسان باید با بکار بستن صبر نفس خویش را از بازی خوردن در برابر مال و فرزند باز دارد تا از یاد خدا و رهسپردن به سوی او باز نماند و پاداش عظیم صبر را از دست ندهد.

انسان بر اساس حبّ ذات به تمام چیزهایی که منسوب به او هستند دلبستگی و علاقه دارد و اگر محبت و دلبستگی به آنها بیش از حد و خارج از کنترل باشد و تحت الشعاع محبت به خدا و در طول آن نباشد، پرده و حجاب تاریکی بر صفحه دل می‌افکند، که انسان را از همه حقایق و واقعیات دور کرده و از یاد خدا که منشأ آرامش واقعی قلب و سعادت حقیقی اوست باز می‌دارد.

قرآن مجید مجموعه‌ای از این دلبستگی‌ها را بدین گونه بیان فرموده است:

«قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرْتَفِضُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (توبه، ۲۴)

ای پیغمبر- بگو: اگر پدران، پسران، برادران، همسران و بستگانان و اموالی که بدست آورده‌اید و تجارتی که از کسادی آن می‌ترسید و مسکنهایی که دلخواهتان است نزد شما محبوب‌تر است از خدا و فرستاده او و جهاد در راه خدا، پس منتظر باشید تا امر خدا فرا رسد و خدا مردمان فاسق را هدایت نمی‌کند.

### اموری که خلاف میل هستند

اموری که بر خلاف میل انسان هستند خود شامل سه بخش می‌باشند:

۱- اموری که در حیطه اختیار و توان انسان هستند که انجام طاعات و ترک گناهان از این قبیل هستند.

صبر بر طاعت:

طبع انسان از بندگی و اطاعت دیگران گریزان و به ربوبیت و مطاع بودن متمایل است و بهمین جهت طاعت خدا نیز خلاف میل اوست و بی حالی و احساس خستگی یا بغل یا هر دو، کار انجام طاعت و عبادت را با سنگینی و سختی مواجه می‌کند.

بی حالی در مثل نماز، بغل در مثل زکات و بی حالی و بغل هر دو در مثل حج و جهاد پیش می‌آید، صبر قبل از انجام طاعت برای تحصیل اخلاص و در اثناء عبادت برای توجه به خدا و خضوع و خشوع و... و بعد از عبادت، از افشاء آن و عجب و... نقش خود را ایفاء می‌کند.

صبر از معصیت:

عموم گناهان و کارهای زشت با طبع و هوای نفس سازگار است و طبعاً ترک آنها بر خلاف میل و کشش نفسانی است. طبیعی است که ترک گناهان و صبر از آنها در همه موارد یکسان نیستند مثلاً ترک گناهی که انسان به آن عادت کرده صبر بر آن نسبت به گناهی که عادت نکرده، مشکل‌تر است و همچنین صبر از گناهی که انجام آنها آسانتر باشد مانند گناهان مربوط به زبان مشکل‌تر از سایر گناهان است.

۲- اموری که وقوع آنها خارج از اختیار انسان است ولی انسان می‌تواند آنها را دفع نماید. مانند این که انسان مورد آزار دیگری قرار می‌گیرد که در برخورد با آن قادر است با عمل به مثل یا انتقام‌جویی، آن را دفع و به مقابله برخیزد و یا آن که صبر و شکیبایی را پیشه نماید و از دایره حق و رضای خدا خارج نشود.

در برخورد با این امور معیار عمل، تکلیف الهی است و جز با صبر نمی‌توان آن را تحصیل نمود.

در اینجا به مواردی از این قبیل که در قرآن مجید بیان شده اشاره می‌کنیم:

«وَاصْبِرْ عَلٰی مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا» (مزل، ۱۰)

و بر آنچه که می‌گویند شکیا باش و از آنها به زیبایی، کناره جوی.

نمونه‌ای از این مورد را در دروغ پراکنیها و نهمتهای بیحد و وسائل ارتباط جمعی و بلندگوهای استکبار جهانی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی و رهبران آن شاهد هستیم که بر مبنای همین روش قرآن و مکتب تربیتی آن، ما هرگز خود را نیاخته و به صورت انفعالی به عکس العمل مشابه آلوده نشده و از مرز حق خارج نگردیده‌ایم، که حق سرانجام همچون خورشید عالمتاب از پس ابرهای تیره، جهان را روشن خواهد کرد.

«وَإِذَا خَالَطْتُمْ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (قرآن، ۶۳)

و آنگاه که نادانان، آنها (مؤمنین) را مورد خطاب قرار دهند، در پاسخ سلام

گویند.

در برخورد با انسانهای ناآگاه، نادان و فریب خورده، بهترین روش این است که انسان بجای مقابله به مثل کردن و همسان جاهل شدن، صبر و شکیبایی را پیشه کند تا هم خود را به زینت حلم و فضیلت اخلاق آراسته کند و هم رسالت هدایت و سعادت انسانها و خدمت به آنها را با بیدارگری و آگاهی بخشیدن به آنان ایفاء نماید.

«لَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا ذُو حِظٍّ عَظِيمٍ» (صلوات- ۳۱ و ۳۵)

نیکی و بدی - در پاداش - یکسان نیستند، بدی را به روشی که نیکوتر است دفع کن. پس آنگاه، کسی که میان تو و او دشمنی بود گوئی دوستی نزدیک است و برخوردار نمی شوند از این خصلت نیک مگر کسانی که «صبر» پیشه کردند و از عقل کامل - بهره عظیم دارند.

نمونه هائی از این خصلت والا که از ویژگیهای صبر می باشد در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین بیان شده است:

«صَبْرٌ مَنْ قَطَعَتْكَ وَأَعْطَيْتَ مَنْ حَرَقَكَ وَأَعْفٌ عَمَّنْ ظَلَمَكَ»

با هر کسی که با تو قطع رابطه کرده پیوند برقرار کن و عطاء کن به کسی که ترا محروم کرده و چشم پوشی کن از کسی که به تو ستم کرده است.

وقتی که مورد صبر در آیه جانی است که بین طرفین دشمنی و عداوت حاکم باشد و در عین حال از درخت صبر آنچنان میوه محبت جده شود، به طریق اولی و به وجهی مسلم تر در مواردی که دشمنی در کار نیست و فقط اموری مانند سوء تفاهم، بدگمانی و مسائل جزئی تری مانند اختلاف سلیقه و نظر در امور جاری زندگی - که عموماً طبیعی و غیر قابل اجتناب است - در بین باشد، همین روش بهترین و تنها راه جلب دوستی و صمیمیت بین اعضاء خانواده ها و افراد جامعه می باشد و صبر در بکار گرفتن این روش می تواند ریشه عمده مشکلات و از هم پاشیدگیهای

خانوادگی و تشنجات اجتماعی را از بین برده و زمینه را برای ایجاد و تحکیم وحدت در جامعه اسلامی فراهم کند.

«وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال- ۱۶)

خدا و رسول او را اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید که ضعیف و سست می شوید و شوکت شما بر باد می رود و «صبر» کنید، به یقین خدا با صابران است.

در این آیه ضمن آنکه محور حرکت و وحدت جامعه را در فرمانبرداری از خدا و رسول او قرار داده، مردم را از هرگونه تنازع و رودرروی هم فرار گرفتن بر حذر داشته و نتیجه تلخ تنازع را نیز بیان فرموده است. لیکن از آنجا که اطاعت از خدا و رسول و نیتادن در دام تنازع به آسانی انجام پذیر نیست و عوامل باز دارنده و مخرب فراوانی بر سر این راه قرار دارد، ناگهان قرآن به مهمترین عنصر سازنده و بهترین وسیله کمک دهنده تکیه کرده، می فرماید: «وَاصْبِرُوا» صبر کنید و در پی آن بالاترین نتیجه حاصله را اعلام می نماید:

«إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»

به یقین خدا همراه صابران است.

و چه تضمین و پشتوانه ای بالاتر از این؟! ۱۹

۳- و اما در اموری که وقوع و دفع آنها خارج از اختیار انسان است، مصائب و پیش آمدهای ناگواری است مانند مرگ عزیزان، از دست دادن برخی از اعضاء بدن و امثال اینها که صبر در این موارد بسیار مشکل و دارای فضیلت فراوان است.

از یغیر اکرم نقل شده که:

«أَسْأَلُكَ مِنَ الْيَقِينِ مَا يَهْوَىٰ عَلَيَّ مَصَائِبَ الدُّنْيَا»

خدایا از تو یقین یقینی مسئلت می کنم که مصائب دنیا را بر من آسان

بقیه از معاد

زندگی می پردازند.

۴- نظام نور و ظلمت:

چهارمین نکته ای که در آیات گذشته مورد تذکر و واقع شده است مسأله نظام نور و ظلمت است که این نظام دقیق نیز مانند نظامهای دیگر آفرینش یکی از شگفتیهای جهان است و بیانگر علم و قدرت خداوند است.

نتیجه:

نتیجه ای که این آیات بر آن دلالت دارند

این است آن خدایتی که این جهان با عظمت را باین ترتیب آفریده و این نظام متن و بدیع را پدید آورده است توانائی آنرا دارد که پس از مرگ شما را زنده کند و به حساب اعمال و عقاید و اخلاق شما بطور کامل برسد و به مجازات و پاداش و کیفر لازم برساند.

«إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَتَهُمْ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ» ۱۱

«بازگشت همه بسوی ما و حساب همه نیز

بر ما است».

۱- آیه ۵-۷، سوره حج ۳- آیه ۹، سوره فاطر

۲- آیه ۱۱، سوره ق ۴- آیه ۳۹، سوره فصلت

۵- آیه ۳۷، ۱۱- سوره ص

۶- آیه ۲-۱۰، سوره غاشیه

۷- آیه ۲۶-۲۹، سوره نازعات

۸- رقم دقیقترین است که در هر ثانیه ۲۹۹۷۹۶ کیلومتر راه طی می کند ولی معمولاً همان رقم فوق را بکار می برند.

۹- از جهانهای دور- ص ۱۹۱

۱۰- به کتابهای اثبات وجود خدا، ص ۳۹ و مرزهای نجوم، ص ۱۴۴ و ص ۱۸۶ و دنیای ستارگان، ص ۱۴۳ و مع الله فی السماء، ص ۲۱۱ و به کتاب دانش عصر فضا تألیف حسین نوری ص ۶۵ مراجعه فرمائید.

۱۱- دانش عصر فضا، ص ۶۶

۱۲- آیه ۲۵-۲۶، سوره غاشیه